

رحمان حسین زاده

به سندیکای کارگران خباز شهر سقز

مطالبه و مبارزه مان را پیگیری کنیم!

جیونانه در مقابله با مبارزات کارگران و توده مردم حق طلب تحت حاکمیت رژیمهای جنایتکار و ضد مردم مثل جمهوری اسلامی شناخته شده و بارها تجربه شده و خنثی شده است. این توطئه را هم باید خنثی کرد.

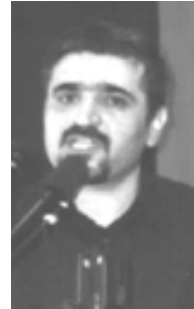
توقع و انتظار اینست که سندیکای کارگران خباز سقز با توجه به تجارب مبارزاتی تائکوننی

صفحه ۲

زیر را تعقیب میکند. اولاً مطالبه و مبارزه کنونی کارگران را به حاشیه براند و گسترش حمایت از این مبارزات را سد کند. دوماً به وجهه و اعتبار سندیکای کارگران خباز سقز لطمه بزند و شکاف و پراکندگی در درون آن ایجاد کند. و سوماً برای فعالین و کارگران مبارز در سندیکا پاپوش درست کند. چنین روشهای

دوستان!

سرقت شرکت تعاونی سندیکا در شب شانزدهم دی ماه، بیشک توطئهای جیونانمعلیه حق طلبی و مبارزه شما کارگران خباز در شهر سقز بود. ما قبلاً هم گفتیم که این واقعه نه تنها سرقتی مالی و مادی بلکه در وهله اول سرقتی سیاسی علیه مبارزه و منافع کارگران است. که اهداف



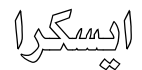
به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

صفحه ۴

اعتراض موفقیت آمیز

معلمان شهر مریوان

صفحه ۴



سرمدیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی



ما خواهان اجرای عدالت در جامعه هستیم!

خالد حاج محمدی
khaledhaji@yahoo.com

سخنان او گوش دادند مورد خطاب قرار داد و از مشکلات

صفحه ۲

این شخص که طبق خبر روزنامه کیهان روز پنجشنبه ۱۳ دیماه، امامعلی-ص نام دارد از اهالی کبوترآهنگ همدان است و ۲ ساعت و نیم مردمی را که در اطراف دکل جمع شده و به

"ماخواهان اجرای عدالت در جامعه هستیم"، فریاد انسانی است که با بلندگویی به بالای دکل مقابل مجلس شورای اسلامی رفته تا پیام خود را قبل از خودکشی به ما برساند.

حقیقت دارد!

نمیتوان پرچم کومه له را بلند کرد و

جنگ کرد و ترک را تقدیس نمود



سعید کرامت
apuyan@uwo.ca

و برخورد انتقادی ایرج فرزاد به تحولات را ناشی از "تنفر" وی از "جریانان سیاسی کردستان" تلقی کرده است. به منظور ارائه تصویر آن جنگ و عواقب آن، گفتگوی کوتاهی با مصطفی یونسی و عمر کریمی، دو تن از کسانی که در هنگام وقوع درگیریها در منطقه حضور داشتند انجام داده ام که در پایین می آید. سپس مختصراً اشاره خواهم کرد که چرا ناصر حسامی به دفاع از عملکردهای ۲۲ سال پیش حزب دمکرات پرداخته است. ***

شما در مقطع جنگ نقده در منطقه فعال کومه له بودید، لطفاً مختصراً اشاره کنید که آن جنگ چه زمان و چگونه آغاز شد؟

مصطفی یونسی: جنگ نقده جنگی بود که در سال ۱۳۵۸ در گرفت. نقده شهری است که ساکنان آن عمدتاً کرد و ترک هستند. از قدیم میان رهبران قبایل کرد و ترک رقابت برسر قدرت وجود داشته است. در هر فرصتی یک طرف سعی کرده است که قدرت خود در مقابل دیگری به نمایش بگذارد.

سازمان "زحمتکشان" کردستان پرچم کومه له را بلند کرده اما از عملکرد حزب دمکرات دفاع میکند. ناصر حسامی عضو رهبری سازمان مذکور طی نوشته تحت عنوان "این حقیقت ندارد" در برخورد به یک مطلب ایرج فرزاد در رابطه با نقش ناسیونالیسم کرد در جنگ کرد و ترک در نقده در سال ۱۳۵۸، به تقدیس آن کشتار ها پرداخته

بعد از انقلاب، حزب دمکرات میخواست نشان دهد که نقده یک شهر کرد نشین است. به همین دلیل تصمیم گرفت که یک میتینگ در استادبوم ورزشی که در قسمت ترک نشین شهر بود، برگزار کند. تبلیغات ضد "عجم" حزب دمکرات باعث شد که ناسیونالیستهای ترک با برگزاری این میتینگ مخالفت کنند. بعداً ناسیونالیستهای ترک به جمهوری اسلامی تکیه کرده و در قلعه شهر که در مرکز شهر است سنگر بندی نمودند. اما حزب دمکرات بعنوان حیثیت ملت کرد به قضیه مینگرست. به همین دلیل علیرغم مخالفت حتی شهروندان کردزبان، میخواست تصمیم خود را عملی کند. بحث فرماندهان و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حقیقت دارد!

مسئولین دمکرات این بود که "عجم خویری (ترسو) کاری نمیتواند بکند. اگر بطرفشان شلیک بکنید همه شان فرار میکنند." به دنبال این نگرش بود که نیروهای حزب دمکرات وارد شهر شدند که با عکس العمل مسلحانه ناسیونالیستهای ترک و جمهوری اسلامی مواجه شدند. این امر باعث وقوع جنگ خونینی میان مردم کرد و ترک در آن منطقه شد. آن جنگ چه نتایجی به بار آورد؟

مصطفی یونس: جنگ تبدیل شد، به جنگ کرد و ترک. صدها نفر از طرفین کشته و زخمی شدند. هر کسی تنها به

دلیل تعلق قومیش کشته میشد. حزب دمکرات در این جنگ شکست خورد. ساکنین کرد زبان از شهر فرار کردند و منازلشان غارت شد. منزل من هم که در محله ترکها قرار داشت غارت شد. در این جنگ کسی به این توجه نمیکرد که کی طرفدار چه گروهی است. مسلح است یا نیست. زن است یا مرد. کودک است یا سالمند. هرکسی در هر شرایطی به خاطر کرد بودن توسط ترکها و بخاطر ترک بودن توسط کردها قتل عام میشد. بعد از شکست در شهر، افراد مسلح حزب دمکرات اتوبوسی را که بچه ها را هر روز به مدرسه میرساند، بر روی پلی در اطراف شهر به کمین انداختند. راننده اتوبوس را متوقف کردند.

بچه ها پیاده شدند اما مورد حمله افراد مسلح حزب دمکرات قرار گرفتند همگی آنها یا کشته شدند یا از ترس، خود را به رودخانه انداختند. این اعمال کینه قومی را میان دو جامعه کرد و ترک زبان دامن زد. جمهوری اسلامی از طریق ملاحسنی امکانات تسلیحاتی را در اختیار ناسیونالیستهای ترک قرار داد در نتیجه پاکسازی قومی به روستاهای قارنه، قلاتان و صوفیان کشیده شد و تعداد زیادی انسان بی گناه بقتل رسیدند. ناسیونالیسم ترک دارای تشکیلات سیاسی تعریف شده ای بود؟

عمر گرمی: خیر. اما جمهوری اسلامی از همان آغاز به

سازمانش تبدیل شد و به پاکسازی قومی و نسل کشی کردها پرداخت. البته تخاصم کرد و ترک ریشه قدیمی دارد که توسط رهبران عشایر، آخوند و دولت و سازمانهای ناسیونالیستی بوجود آمده بود. اما وقتی تبلیغات حزب دمکرات حول فرهنگ و سر زمین کرد متمرکز بود و شهرها و دهاتی را که بین کرد و ترک مشترک بود، جزو قلمرو کردها حساب میکرد، احساسات ناسیونالیستی و بیگانگی با کردها در شهروندان ترک بوجود می آورد. جمهوری اسلامی هم از این موقعیت استفاد کرد و ترکها را علیه کردها تحریک کرد. در نتیجه تحریکات ناسیونالیستی کرد و ترک بسیجی های ملاحسنی مردم روستاهای



ما خواهان اجرای عدالت...

حسام حسینی ۲۲ ساله و صافکار، عصر روز شنبه ۱۵ دیماه در شهر سقز و در محل کارش خود را حلق آویز و به زندگی خود پایان داد. حسام در یادداشتی کوتاه که از خود جا گذاشت نوشته، "من خود دست به چنین کاری زده و دلیل آن خستگی از این زندگی است". چنین تراژدیهای دردناکی هر روز در گوشه و کنار این مملکت اتفاق میافتد و هر روز زندگی دهها انسان را به کام مرگ میرسد. فریاد علی که خواهان عدالت اجتماعی است و خستگی حسام از دست جهنم اسلامی، حرف دل میلیونها انسان است.

زندگی، بیکاری، فقر و متلاشی شدن خانوادههای فقیر به دلیل این مشکلات، صحبت کرده است. او درخواست کرده که جناب خاتمی و "نمایندگان" بیایند و به سخنان او گوش کنند. مردم زیادی در این محل جمع شده و این ۲ و نیم ساعت به سخنان او گوش داده و با او اظهار همدردی کردهاند. علی بعد از اینکه مامورین آتش نشانی و انتظامی مانع خودکشی او شده و از دکل پایینش آوردهاند فریاد میزند: "ما خواهان اجرای عدالت اجتماعی در جامعه هستیم".

عدالت و برابری و داشتن دنیایی مرفه و عادلانه آرزوی شیرین، واقعی و زمینی اکثریت مردمی است که بدست اقلیتی جنایتکار حاکم تباه شده است. کیهانچیهای متعلق به جناح تندرو که امروزها پرچم "رفع" مشکلات اقتصادی را بدنبال بی خاصیت شدن پرچم "اصلاحات" جناح برادر، برداشتهاند، به خیال خام خود میخواهند برای خود مشروعیتی کسب کنند. تا شاید اینبار تحت این نام چند سال دیگر برای حکومت اسلامی وقت بخرند. آقایان فراموش فرمودهاند که آقایان، خمینی جلا میگفت: "اقتصاد مال خر است، ما برای هندوانه انقلاب نکردیم". اینها

هر روز با ترفندی میخواهند از حاکمیت خود دفاع و هر روز مسئولی را برای حفظ نظام بردگی اسلامی در مقابل موج نارضایتی ما مردم قرار میدهند. اما این ترفندهای جناحهای حکومتی و کیهانچیها دیگر کارایی ندارد. مردم بیش از این تحمل بردگی و بندگی حکومت طالبان ایران را ندارند. عامل فقر و فلاکت و رنج و مشقات بر ۷۰ میلیون انسان حکومت سرمایه اسلامی است و باید آن را برانداخت. بیش از این نباید اجازه داد جان انسانهای عدالتخواه در این مملکت تباه شود. حزب کمونیست کارگری ایران صف جمع شدن نیروی براندازی این حکومت و

برقراری عدالت و برابری و آزادی و آزاد اندیشی در ایران است. مردم روز انتخاب فرا رسیده است! با انتخاب و پیوستن به این حزب، راه کنار گذاشتن این حکومت و اجرای عدالت و برابری و رفاه را هموار کنید. این تنها راه خاتمه دادن به خودکشی و خودسوزی و جهنم جمهوری اسلامی است که هر روز این تراژدیها را بازتولید میکند. به ما پیوسته و صف مبارزه جدی علیه جهل و خرافه و فقر و مشقات را، صف مبارزه برای تحقق آرزوهای انسانی علیها و حسامها و میلیونها انسان ستمدیده را تقویت کنید.



به سندیهای کارگران خباز...

را مقداری به حاشیه رانده است. لازمست کاری کرد این وضعیت ادامه پیدا نکند، مثلا میشود، یکبار دیگر با برگزاری مجمع عمومی سندیکا، بر دستاوردهای تاکنونی این مبارزه، بر اهمیت همبستگی و حمایتهای تاکنونی، تاکید شود. توطئههای دشمنان و راه خنثی کردن آنها بررسی و تعیین شود. و مهمتر در مورد چگونگی تداوم مبارزه کنونی و پافشاری بر خواست افزایش دستمزد، تصمیم گیری شود. بگذارید با برگزاری مجمع عمومی مانع پراکندگی در صفوف کارگران و رواج بی اعتمادی شویم. با اینکار وحدت و یکپارچگی را محکم کنیم و مانع پیشرفت اهداف دشمنانمان شویم. طبعاً

و با اتکا به حمایت گستردهای که از مبارزات آن به عمل آمده است، اجازه ندهد، موضوع سرقت مالی شرکت تعاونی بر پیگیری مطالبات و مبارزه فعلی سندیکا برای افزایش دستمزد، سایه بیندازد. طبعاً من این را درک میکنم که این واقعه به لحاظ مالی و سیاسی تاثیرات و عوارض نامطلوبی داشته است، اما اینجا صحبت بر سر تخفیف عواقب و عوارض منفی و خنثی کردن هدفی است که دشمنان ما از طریق این ماجرا تعقیب میکنند. شواهدی نشان میدهد در ۲-۳ روز گذشته این موضوع بیش از اندازه واقعی خود سنگینی نموده و نحوه پیگیری مطالبه و مبارزه فعلی

موضوع سرقت مالی خود به قضیهای تبدیل شده است و نمیتوان به آن رسیدگی نکرد. در این رابطه مجمع عمومی میتواند هیئتی را از میان خود برای رسیدگی به موضوع سرقت انجام شده و رفع و رجوع مسائل مربوط به آن تعیین و نگذارد این موضوع فکر و ذکر همه را به خود مشغول کند و از موضوع اصلی که پیگیری مبارزه و تلاش برای تحقق خواست افزایش دستمزد است، غافل شویم. کاری کنیم کماکان سندیکا و نمایندگان و فعالین آن بر اصل موضوع مبارزه برای افزایش دستمزد و به پیروزی رساندن آن متمرکز باشند و در این رابطه مجددا همه ابتکارات را بکار گیریم، با صدور اطلاعیه،

با برقراری ارتباط با مراکز و رشتههای کارگری در سراسر ایران، با فراخواندن مردم مبارز، حمایت از مبارزه مان را گسترش دهیم. من قبلاً هم تاکید کردهام که لازم و در عین حال ممکن است که سندیکاهای کارگران خباز دیگر شهرهای استان کردستان فراتر از حمایت، بلکه عملاً و با مطالبه مشترک، دست در دست کارگران خباز سقز وارد عمل شوند و صف متحدی را در مقابل استانداری و دیگر ارگانهای دولتی ذریبط در استان ایجاد کنند. مجددا یادآوری میکنم در داخل و خارج ما در کنار شما هستیم. ما تاکنون اخبار و اتفاقات مربوط به این مبارزه را وسیعاً پخش کردهایم و اصغر گرمی از طرف حزب کمونیست کارگری، طی

نامه‌ای به سازمانها و اتحادیههای کارگری در سراسر جهان خواستار حمایت آنها از مبارزه کارگران خباز شده است و تشکیلاتهای حزب ما در کشورهای اروپایی و آمریکایی و استرالیا و در هر کشوری که حضور دارند، در دیدارهای حضوری با رهبران این اتحادیهها و سازمانهای کارگری حمایت آنها را جلب میکنند. به امید پیروزی دوست و همگام شما رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ دی ۱۳۸۰ ۹ ژانویه ۲۰۰۲



حقیقت دارد!

درجه یک در جنگ افروزی میان کرد و ترک، جمهوری اسلامی بود حزب دمکرات هم با دامن زدن به تحریکات ناسیونالیستی و راسیستی و مقابله به مثل متهم درجه دوم در آن جنگ قومی بود. آن هنگام من فعال کومه‌له بودم و به دلیل آشنایی شخصی به عیادت یکی از فرماندهان نظامی حزب دمکرات، به اسم شوانه، در بیمارستان بوکان رفتم. او تازه از جنگ در روستای بگم قلعه که ترک نشین بودند برگشته بود و زخمی شده بود. وی با افتخار میگفت که نیروهای حزب دمکرات به بچه های در گهواره و حتی حیوانات ترک ها هم رحم نکرده اند و تمام روستا را به آتش کشیدند.

نقش کومه له در این جنگ چگونه بود؟

عمر گرمی:

رهبری کومه له آن زمان جنگ کرد و ترک را قاطعانه محکوم کرد. در جوله های سیاسی در مناطق مهاباد به روشنی مردم را بر علیه جنگ کرد و ترک فرا میخواند آنها را به اتحاد بر علیه نیروهای ارتجاعی دعوت میکرد. حزب دمکرات و جمهوری اسلامی جنگ ترک و کرد راه انداخته بودند. ناسیونالیسم کرد و در تقابل با نیروهای بسیجی جمهوری اسلامی که مردم کرد بی دفاع را قتل و عام میکردند، حزب

دمکرات هم به همان شیوه احساسات قومی را باد میزد و متقابلاً بر علیه مردم بی دفاع ترک زبان لشکر کشی کرد.

چگونه جنگ خاتمه یافت؟

عمر گرمی: پاکسازی های قومی باعث شد که ترک ها و کردهایی که در یک شهر و روستا سالها با هم زندگی کرده بودند از ترس بسیجی ها جمهوری اسلامی و حزب دمکرات زندگی خود را رها کنند. ترکها از ترس افراد مسلح حزب دمکرات به مناطق عمقی ترک نشین در میاندوآب و نقده فرار کردند و کردها هم از ترس جنایتکاران بسیجی جمهوری اسلامی که توسط ملاحسنی امام جمعه رضائیه رهبری میشدند به مناطق عمقی تر کرد نشین فرار کردند.

جمهوری اسلامی به کردستان حمله کرد مناطق مسکونی مردم را بمباران کرد و مردم زیادی آواره و تعداد زیادی هم کشته شدند. بسیجی های ملا حسنی فرصت یافتند که به روستائیان کرد نشین حمله کنند و تعداد بیشتری را قتل و عام نمایند. بعد از آن، جنگ وارد فاز دیگری شد و جنبش مقاومت در کردستان علیه جمهوری اسلامی بشیوه گسترده تری شکل گرفت که یک پایه اش کومه له بود که جنبش توده ای و مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی سازمان داد. کومه له در آن زمان به روشنی در اطلاعیه ها و سخنرانی کادراهایش، جمهوری اسلامی را

ضد مردم کرد و ترک خواند و مقابله به مثل حزب دموکرات را هم محکوم نمود. همسروشستی کارگران ترک و کرد و ضرورت اتحاد و همبستگی مردم کرد زبان و ترک زبان را تبلیغ میکرد.

ناصر حسامی هم در آن مقطع فعال کومه له بود. بنظر شما چرا اکنون یک طرف آن جنگ قومی را میبیند.

عمر گرمی: تا جایی که اطلاع دارم در آن مقطع ناصر حسامی فعال کومه له نبود، بعدها به صف کومه له پیوست. دقیقاً نمی دانم در آن مقطع با جریان سیاسی دیگری در کردستان فعالیت میکرد یا نه؟ در هر حال من انتظار بیشتری ندارم. ناصر حسامی و دیگر اعضای رهبری سازمانشان مدت ها است به شیوه های مختلف از اعمال گذشته خود اظهار پشیمانی میکنند. سازمان "زحمتکشان" کردستان یک سازمان فالانژ قومی است و ناصر حسامی هم از یک نگاه قومی و نژادی به مسئله نگاه میکند. نگرش سیاسی قومی از یک دیدگاه انسانی به تحولات پیرامون خود نمیگذرد. بلکه فقط منفعت جنبش و رهبران قومی که خود را به آن متعلق میدانند، میبیند. در نتیجه طبعاً حقیقت را وارونه می بیند و به دفاع از عملکردهای حزب دمکرات بر میخیزد.

امروز وقتی که ایرج فرزاد با اشاره به آن دوران میگویی "خوشبختانه گرایش

نیرومندو انسانی آن اندازه قوی بود که اجازه نداد ناسیونالیسم کرد، بساط پاکسازی قومی و نفرت پراکنی "ضدعجم" را ادامه دهد" ناصر حسامی عضو رهبری جریانی که خود را میراث دار کومه له محسوب میکند، مدعی میشود که "تنفر ایرج فرزاد از جریانات سیاسی کردستان او را واداشته است که چنین بگوید." باتوجه به خاطره های فوق از آن دوران ممکن است که این سؤال برای خوانندگان مطرح شود که چرا این فرد در حالی که سازمانش خود را میراث دار کومه له میداند اما نگران بازگو کردن نقاط قوت کومه له میشود و از اعمال ۲۲ سال پیش حزب دمکرات دفاع میکند؟

سؤالی معتبر است و جوابش هم ساده است. ناصر حسامی عضو رهبری یک جریان سیاسی معینی نیست که قدرت تشخیص مصلحت جامعه و ربطی به منفعت انسانی جامعه را داشته باشد. او در رهبری یک تشکیلات مونتاژ شده است که ماسک کومه له بر چهره اش زده شده، موتور حزب دمکرات بر ذهنش نسب و سازنده و تامین کننده سوختش اتحادیه میهنی میباشد. در این تشکیلات مونتاژی، ماسک نقشی را بازی نمیکند. اگر آنها هم پرت کند میتواند به حیات خود ادامه و شروع به پیمودن راهی بکند که حزب دمکرات ۲۲ سال پیش طی کرده بود. این موتور فرسوده مونتاژ شده بر ذهن ناصر حسامی این توانائی را از او گرفته است که

متوجه شود پاکسازی قومی، چه از جانب دولت و چه از جانب اپوزیسیون، حرکتی غیر انسانی و محکوم است. این تفکرات ناسیونالیستی است که باعث شده که فعالین سازمان زحمتکشان بجای ترویج آخرین دست آوردهای بشری در لندن، پاریس و برلین، هنوز فرهنگ عشایر دورانهای کهن و سپری شده را برای جوانان در شهرهای بزرگی نظیر سندج، مهاباد و سقز تجویز کنند. همین دستگاه فکری است که روند سیاسی ادغام اروپا را نمیبیند و دوست دارد چرخ تاریخ را در ایران به عقب برگرداند و در قبال باد دادن جنگهای قومی به موقعیتی برسد. کومه له، تا قبل از جدائی جریان کمونیسم کارگری، سمبل دفاع از کارگر، زن، آزادی بیقید و شرط بیان، مبارزه با مذهب و ناسیونالیسم بود. اما فعالین سازمان زحمتکشان امروز سیاستهایی را ترویج میکنند که حتی بخشهایی از حزب دمکرات هم با یک نگاه انتقادی به آن مینگرند. اینها اگر بخواهند که گریبان خود را از این تناقضات رها کنند بهتر است که ماسک کومه له را کنار گذاشته و با پیوستن به حزب دمکرات رهبری آن حزب را تقویت کنند. با پرچم کومه له و تبلیغ سیاستهای حزب دمکرات نمیتوان اعتماد زیادی را جلب کرد.

۲ ژانویه ۲۰۰۲



لیست کمک مالی

به کمیته کردستان

گلنار خانی	۵۰۰ کرون	غفار غلام ویسی	۲۰۰ کرون
روناک	۱۶۰ کرون	صالح فلاحی	۲۰۰ کرون
کریم یوتوبوری	۲۰۰ کرون	نامانج	۲۰۰ کرون
واحد بروس	۱۸۰۰ کرون	نقاش	۲۰۰ کرون
سویس		ریبوار	۲۰۰ کرون
محسن ایزدی	۵۰ فرانک	بیان	۲۰۰ کرون
شهباز چوری	۵۰ فرانک	جبار	۲۰۰ کرون
سهرکوت توفیقی	۱۰ فرانک	سیما	۱۰۰ کرون
لقمان محمدی	۱۰ فرانک	سوئد	
علی شماره ۲	۱۰ فرانک	محمد خضری	
		فاطمه محمدی	۴۰۰ کرون

کمک مالی منظم به کمیته کردستان

رسول بناوند	۲۵۰۰ کرون
عذر آدمی	۲۰۰ کرون
جبار کردی	۱۵۰ کرون
کلباغ سلیمی	۱۰۰ کرون

کمک به پروژه ت

نروژ	
صابر و مهری	۵۰۰ کرون
داریوش نیک نام	۵۰۰ کرون

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

r_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel: 0046 739 855 837

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه‌های جدید کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در رابطه با مبارزه کارگران خباز سقز

در بخشی از اطلاعیه شماره ۵ که با عنوان "تهدید نمایندگان کارگران خباز سقز توسط مزدوران جمهوری اسلامی" منتشر شده است، آمده است:

استانداری و دیگر مقامات رژیم اسلامی در کردستان نه تنها از دادن جواب قطعی به کارگران طفره میروند، بلکه در یک هفته گذشته شاهد تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم مزدوران جمهوری اسلامی علیه نمایندگان و فعالین سندیکایشان بودند. در یک مورد مامورین اطلاعات رژیم با مراجعه به منزل یکی از مسئولین و نمایندگان کارگران خباز، وی را به اداره اطلاعات رژیم در سقز احضار میکنند. کارگر نامبرده با رد تقاضای آنها، از مراجعه به اداره اطلاعات رژیم خودداری میکنند.

اطلاعیه شماره ۶ که با عنوان: "توطئه‌های رسوای جمهوری اسلامی را علیه سندیکای کارگران خباز سقز خنثی کنیم" منتشر شده است اشاره شده است که در ادامه این توطئه‌گرهای جمهوری اسلامی علیه کارگران خباز سقز، شب ۱۶ دی ماه طی یک اقدام رسوا و شناخته شده عواملی در خدمت به اهداف رژیم اسلامی با شکستن سندیکای خبازان در طبقه دوم وارد ساختمان سندیکا شده و با سوراخ کردن سقف شرکت تعاونی که در طبقه اول ساختمان قرار دارد، دست به سرقت زده‌اند. در این اقدام مبلغی معادل دو میلیون و پانصد هزار تومان پول و بخش قابل توجهی از

۸ ژانویه ۲۰۰۲

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

به اطلاعاتان می‌رسانیم که سندیکای کارگران خباز شهر سقز و چند شهر دیگر در ایران از چند هفته پیش مبارزه قاطعی را برای افزایش دستمزدهای خود شروع کرده اند. یادآوری میکنم که دبیر سندیکای خباز سقز، محمودصالحی، بدنبال اعتراضات کارگران در شهرهای ایران و حمایت باشکوه سازمانهای کارگری در سراسر جهان، سال قبل از زندان آزاد گردید. اعتراضات کارگران دور اخیر کارگران خباز سقز به حمایت و پشتیبانی فعال سندیکاهای خبازان در چند شهر دیگر روبرو شده است. در نشست ۲۹ دسامبر نمایندگان کارگران با استانداری کردستان و فرمانداری سقز، به کارگران قول داده شد روز ۵ ژانویه به خواسته‌هایشان رسیدگ شود. مسئولین حکومت اسلامی اما بجای رسیدگی به مطالبات، تهدید و توطئه علیه آنان را شروع کردند، چیزی که کاملاً قابل پیش بینی بود. مسئولین سندیکا را تهدید و یکی از آنان را احضار کردند و سپس در تاریخ ۶ ژانویه شبانه به دفتر سندیکا و شرکت تعاونی سندیکا دستبرد زدند و چند هزار دلار اموال شرکت تعاونی را به سرقت بردند. هدف حکومت اسلامی روشن است: ضربه مالی و نیز ضربه به وجهه و اعتبار سندیکا، سد کردن روند حمایت از مبارزه کارگران خباز، ایجاد شکاف در میان کارگران و پاپوش دوختن برای فعالین و کارگران مبارز در سندیکا.

مبارزه اخیر کارگران در سقز و چند شهر دیگر تاکنون با حمایت ۱۶ مجتمع کارگری روبرو شده است. این با توجه به خفقان موجود در ایران یک همبستگی شکوهمند کارگری محسوب میشود. رژیم اسلامی قصد انتقام و درهم شکستن اتحاد و تشکل کارگران را دارد. دستگیری رهبر سندیکا در سالهای قبل نتیجه معکوس داد و به همبستگی گسترده کارگران با سندیکای خبازان مواجه شد. رژیم اسلامی اشکال دیگری از توطئه و تعرض را شروع کرده است. این تعرضات نیز باید درهم شکسته شوند. حمایت صمیمانه و گسترده شما همچنان در خاطره کارگران خباز و همه کارگران ایران زنده است. بار دیگر شما را به حمایت از مبارزه و مطالبات کارگران خباز در ایران و بویژه مطالبه افزایش دستمزد کارگران و محکوم کردن توطئه‌ها و تهدیدات فعالین کارگری دعوت میکنم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری
اصغر کریمی
از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

اعتراض موفقیت آمیز معلمان شهر مریوان

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با صدور این اطلاعیهای با عنوان مذکور خیر داده است که در ادامه اعتراضات معلمان مریوان، روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه بیش از ۳۰۰ نفر از معلمان دبیرستانها و مدارس راهنمایی شهر مریوان در یک اعتراض دسته جمعی در اداره آموزش و پرورش شهر تجمع کرده و خواستار حقوقهای پرداخت نشده بابت اضافه کاریشان شدند. مخدومی رئیس آموزش و پرورش از ترس اعتراض معلمان در اتاق خود را قفل کرده و جرات حضور در تجمع معلمان را نداشت.

جمعیت معترض با دادن شعار و ابراز خشم و نفرت خود، مخدومی را از اتاقش بیرون کشده و در اجتماع معلمان حاضر میشود. معلمان کتبا به او التیماتیوم میدهند و تهدید میکنند که اگر تا آخر ماه حقوقشان پرداخت نگردد دست به اعتصاب عمومی خواهند زد. مخدومی ناچار میشود که فوری این التیماتیوم را به مدیرکل استان کردستان گزارش کند که مسئولین دولتی مربوطه ناچار میشوند برای



از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane.com

مطالب، اطلاعیه‌ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید. rowzane@yahoo.com

برنامه حزب

کمونیست

کارگری را

بخوانید

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!